



درگذشت یک بازیگر قدیمی

اسفندیار ابراهیمی که بیش از ۲۰ سال بود در سینما، در جلوی دوربین و پشت صحنه فعالیت می کرد و گوینده رادیو هم بود، بر اثر بیماری در سن ۶۷ سالگی درگذشت. او متولد سال ۱۳۳۵ بود که در زمینه بازیگری، مدیریت تولید سینما و دوبله فعالیت داشت. فیلم‌های «ترن» به کارگردانی امیر قوی‌دل، «شاید وقتی دیگر» به کارگردانی بهرام بیضایی، «پری» به کارگردانی داریوش مهرجویی و «سفر پرماجرا» به کارگردانی سیامک اطلسی بر خی از فیلم‌هایی است که او در آن‌ها بازی کرده بود. او همچنین در تئاتر هم در بخش بازیگری، کارگردانی و مدیریت صحنه کارهایی را انجام داده بود که از جمله آنها می توان به «پزنشک نازنین»، «بوزرژای نجیب‌زاده»، «پدر» و «سوءتفاهم» به کارگردانی علی پویان و «پیروزی در شبیکاگو» داوود رشیدی اشاره کرد. «کوچک جنگلی» «پروژ افخمی، «خواب و بیدار» مهدی فخیم‌زاده و «کمربندها را ببندیم» مهدی مظلومی نیز از جمله سریال‌های این بازیگر در تلویزیون بوده است.



تاریخ سینمای ایران در موزه سینما

اگر به تاریخ سینمای ایران علاقه‌مندید تماشای مستند «از مشروطیت تا سینما» را از دست ندهید. کارگردان این مستند محمد تهامی‌نژاد، پژوهشگر تاریخ، منتقد و مستندساز برجسته است. در ادامه نمایش‌های ویژه فیلم‌های مستند در موزه سینما تحت‌عنوان «شب‌های مستند» با مشارکت انجمن صنفی تهیه‌کنندگان سینما و مستند فیلم «از مشروطیت تا سینما» این پرده سالن فردوس موزه سینما می‌رود. این برنامه در چهارمین نشست شب‌های مستند که روز سه‌شنبه ۲۶ دی‌ماه ساعت ۱۷ برگزار می‌شود، مهرداد فراهانی، نویسنده، منتقد و پژوهشگر سینمای مستند و تاریخ سینمای ایران درباره فیلم صحبت خواهد کرد. مستند «از مشروطیت تا سینما»، بازگوکننده ورود «فیلم» به ایران و شکل‌گیری «سینما» از دوره مشروطیت تا فیلمسازی عبدالحسین سینتا در هندوستان است. گفتنی‌است که ورود در این برنامه، برای عموم آزاد و رایگان است.



بدون مجوز ساترا هرگز

هیچ اثری از هیچ رسانه‌ای، بدون اخذ مجوز از ساترا، تولید یا منتشر نمی‌شود. معاون پایش و نظارت ساترا بعد از مصوبه شورایعالی انقلاب فرهنگی، دلیل تصویب این قانون را در جهت شکل‌گیری ارتباط بین ساترا و بخش خصوصی اعلام کرد. محمد حسام‌پور در این نشست با اشاره به برخی اظهارات مبنی بر اینکه قانون مطبوعات می‌تواند به‌عنوان یک قانون مورد استناد نهاد تنظیم‌گر صوت و تصویر فراگیر قرار بگیرد، گفت: برخی مواقع مسئولان مختلف دستگاه‌ها اینگونه می‌گویند که قانون مطبوعات می‌تواند در تنظیم‌گری تمام تولیدات رسانه‌ای نقش‌آفرین باشد اما این بیان اشتباه است، زیرا قانون مطبوعات صرفاً برای رسانه‌های مکتوب و خبرگزاری‌ها نگاشته شده و هیچ تعریف و مر جعبیتی در حوزه رسانه‌های دیداری و تصویری ندارد. به گفته او: «در تنظیم‌گری باید این نکته را در نظر گرفت که نهاد تنظیم‌گر نمی‌تواند صرفاً به یک بخش از تولیدات پلتفرم‌ها ورود داشته باشد و آنها را فقط از یک منظر ارزیابی کند؛ بلکه باید تمام جوانب و زمینه‌ها مورد ارزیابی قرار بگیرد.»

گفت‌وگو با ستاره اسکندری کارگردان فیلم «خورشید آن ماه»

کرامت بلوچ‌ها را نگه داریم



رضا صائمی

خبرنگار گروه فرهنگ

ستاره اسکندری در نخستین تجربه فیلمسازی خود، سراغ منطقه و مسئله‌ای رفته که نشان می‌دهد بیش از آنکه فیلمسازی دغدغه‌اش باشد، دغدغه‌هایش را به میانجی فیلمسازی دنبال می‌کند. او با «خورشید آن ماه»، نخستین فیلم ایرانی به زبان بلوچی را ساخته که روایتی عاشقانه در دل شگفتی‌های بلوچستان است. گرچه قصه فیلم با رویکردی انتقادی به یک سنت غلط درباره زنان ساخته شده اما تلاش کرده تا تصویری متفاوت از فرهنگ غنی بلوچ‌ها ارائه دهد تا با فیلمی مردم‌نگارانه مواجه شویم که پیش‌ازاین در اغلب روایت‌های سینمایی با تصویر زشت و سیاه بازنمایی می‌شد. ستاره اسکندری اما معتقد است سینما وقتی با رویکردی انتقادی سراغ فرهنگ‌های قومی می‌رود، باید کرامت آنها را نگه دارد. «خورشید آن ماه» نشان می‌دهد که او مقدر کرامت قوم بلوچ را نگه داشته و تلاش کرده تا در بستر یک رئالیسم انتقادی، شکوه این فرهنگ و جغرافیا را به تصویر بکشد.

شما پس از سال‌ها بازیگری، در نخستین تجربه کارگردانی سراغ فیلم سخت و دشواری رفتید؛ هم از حیث تولید و اجرا، هم به لحاظ فرم و مضمون. درحالی‌که مثل بسیاری دیگر می‌توانستید سراغ یک فیلم تجاری یا به اصطلاح سینمای بدنه بروید که گیشه پررونق‌تری هم داشته باشد. ضمن اینکه نام شما هم به‌عنوان کارگردان یک امتیاز برای تضمین فروش آن بود. اما شما سراغ قصه‌ای از قوم بلوچ رفتید و حتی فیلم را هم به زبان بلوچی ساختید که برای اولین‌بار در سینمای ایران اتفاق افتاده است. چرا در نخستین تجربه فیلمسازی، کار سختی را انتخاب کردید؟

راستش من اصلاً قصد و نیت نکردم که کارگردان شوم و فیلم بسازم که بخواهم به سوز و زائر آن یا میزان فروش و رونق گیشه فکر کنم. واقعیت این است که ساخت فیلم «خورشید آن ماه» به این برمی‌گردد که من وقتی اولین‌بار به سیستان و بلوچستان دعوت شدم، به‌واسطه تصویری که از سینما یا ادبیات ما از آنجا در ذهنم شکل گرفته بود، پر از ترس و لرز بودم و گفتم نمی‌روم اما وقتی به‌ناچار برای جشنواره لباس به چابهار رفتم خیلی شرم‌منده شدم از اینکه به‌عنوان یک آدم اهل



عکس: ستاره اسکندری، هم‌نشین

فرهنگ، چرا هیچ شناختی از آنجا ندارم و چرا فقط بسنده کردم به تصاویری که تنها از سینما و تلویزیون نسبت به سیستان و بلوچستان داشتم که بیشتر از یک زاویه سفارشی به روایت آنجا پرداخته است. به‌همین دلیل است که فکر می‌کنم استان‌های مرزی ما از جمله سیستان و بلوچستان در یک محاق قرار گرفته‌اند. من به‌واسطه اینکه با سیلوش ستاری، ماشین خیمه‌شب‌بازی را در چابهار راه‌اندازی کرده بودیم این پیشنهاد را به دکتر کردی، مدیر وقت منطقه آزاد چابهار، دادم که شما چاره‌ای ندارید جز اینکه فرهنگ خودتان را صادر کنید؛ چون اغلب ما ایرانی‌ها شناختی نسبت به این منطقه نداریم حتی نمی‌دانستیم که بلوچ‌ها زبان خاص خود را دارند. من اولین‌بار که این زبان را شنیدم، فکر می‌کردم که این زبان هندی یا پاکستانی است. ما اولین ماشین خیمه‌شب‌بازی ایران را با حمایت دکتر کردی در چابهار راه انداختیم و سیلوش ستاری، نزدیک ۴۰۰ اجرا را روستا به روستا رفتند، در نتیجه یک آشتی کوچکی ایجاد شد و توانستیم این اعتماد را جلب کنیم تا در پیشنهاد دوم سراغ سینما و ساخت فیلم برویم. قرار بود شخص دیگری فیلم را بسازد البته نه این فیلم، فیلمی دیگر با محوریت فرهنگ بلوچ که قرار بود من آن کار را تولید کنم اما آن دوست نازنین انصراف داد و آقای دکتر کردی گفتند، اگر خودت می‌سازی ما می‌توانیم اعتماد و حمایت کنیم. می‌خواهم بگویم اینطور نبود که من بروم سراغ فیلمسازی و کارگردانی، که حالا فکر کنم فیلمی تجاری و بدنه یا مثلاً فیلمی تجربی و هنری بسازم.

در واقع شما تاجر به زیسته خودتان را در چابهار و دغدغه‌های فرهنگی که نسبت به آنجا داشتید به هم گره زدید و از زبان سینما به عنوان ابزاری برای روایت این دغدغه‌ها بهره بردید نه اینکه برای تجربه کارگردانی، فیلم ساخته باشید...

دقیقاً همینطور بود. من بیشتر از اینکه فکر کنم فیلم ساختم، فکر می‌کنم مسئولیت اجتماعی‌ام را نسبت به فرهنگ بلوچ به‌عنوان بخشی از تاریخ و جغرافیای سرزمینم انجام دادم. همین اسامی بایک ماشین خیمه‌شب‌بازی و به‌واسطه سینمای سیار این فیلم را به‌شکل رایگان در بلوچستان اکران کردیم تا مردم بلوچ یکبار عظمت فرهنگ خود را در قالب سینما بتوانند ببینند. اگر من قبلاً فیلم کوتاه یا تل‌تئاتر ساختم بیش از آنکه مسئله‌ام ساخت یک اثر هنری باشد، ادای مسئولیت اجتماعی نسبت به دغدغه‌هایم به‌واسطه هنر بوده است تا مخاطب را به شناخت از سوز و برسانم و در واقع آگاهی و شناختی در ذهن مخاطب اتفاق بیفتد.

به‌منظرم این مسئله شناخت که به آن اشاره کردید خیلی مهم است. تماشای این فیلم، اولاً هم مخاطب را با آن منطقه از طبیعت و جغرافیای آن گرفته تا زبان، آداب، رسوم، فرهنگ و سبک زندگی مردم آنجا آشنا می‌کند، هم در عین حال دست به یک آشنایی‌زدایی می‌زند. به این معنا که آن تصویر کلیشه‌ای یا ناقص و غلطی که ممکن است در ذهن مخاطب نسبت به این خطه وجود داشته باشد را اصلاح کند و در نهایت به یک شناخت درست از فرهنگ و مردم بلوچ برسد.

ضمن اینکه آنچه برای من مهم بود این بود که «خورشید آن ماه» تبدیل به یک فیلم سفارشی معکوس نشود که به اصطلاح درباره آن سفیدنمایی مطلق می‌کند. وقتی قرار بود شخص دیگری در این‌باره فیلم بسازد، به قصه و موضوع دیگری می‌پرداخت اما وقتی قرار شد من درباره چابهار فیلم بسازم به این فکر کردم که باید دغدغه‌های خودم را در این فیلم روایت کنم و فیلمی با محوریت همان دغدغه‌ها بسازم. دغدغه درباره زنان و سنت‌های غلط و نمونه‌هایی از این دست که واجد یک رویکرد و نگاه انتقادی بود. سعی کردم فیلم لایه‌های مختلف داشته باشد. بسیاری از کسانی که فیلم را دیدند دل‌شان می‌خواست به چابهار سفر کنند، بسیاری درباره وضعیت زنان و سنت‌های غلط مسلط بر آنها می‌گفتند.

فیلم در عین اینکه نسبت به یک سنت غلط در یک فرهنگ و قومیتی، نگاه انتقادی دارد اما حرمت آن را نگه می‌دارد و اینطور نیست که ما با تصویری از فقر، فلاکت و تباهی در کلیت قصه و بازنمایی سبک زندگی و فرهنگ آنجا مواجه شویم. قصه در باره یک طبقه متوسط شهری در چابهار است که در عین اینکه یک ساختار عشیره‌ای و زندگی جمعی دارد و مثل بسیاری از فیلم‌هایی که درباره این منطقه ساخته می‌شود، فقر و محرومیت به ابژه تماشا تبدیل نمی‌شود، بلکه به تبیین منتقدانه یک سنت غلط در یک خانواده محترم پرداخته می‌شود و با تصویری از آلمان‌های متعارف مثل فقر، قاچاق، ترور و مفاهیمی از این دست مواجه نیستیم. ماهیگیری شغل این خانواده است و از سطحی متعارف از امکانات و رفاه برخوردارند. می‌خواهم بگویم با اینکه فیلم رویکردی انتقادی دارد اما قابلیت‌ها و امتیازهای آن را هم می‌بیند و به تصویر می‌کشد. در واقع رویکرد انتقادی آن، تخریبی و تحقیرگرانه نیست.

به‌منظرم نقد اگر نتواند سازنده باشد و صرفاً با تخریبی داشته باشد، نمی‌تواند اثرگذار باشد و بیشتر کارکرد تحقیرکننده پیدا می‌کند.